فصل اول

علم کیمیا

در بیان علم کیمیا

بدانکه علوم بر دو گونه است . یکی علــوم جلیـه دوم علوم خفیه جلیه عبارت از علوم متداوله است کـــه بـه مدارس و مجالس اکتساب نمایند و علوم خفیــه آنست که حکما آنرا از نظرهــای نامحرمـان مخفـی و مسـتور داشته‌اند و پیوسته همت با خفای آن بــر گماشـته و آن پنج علوم است آنرا خمسه مختفیه گویند .

علم کیمیا و علم لیمیا و علم هیمیا و علم سیمیا و علم ریمیا و مجملی ازین هر پنج علوم نیز بابواب جداگانه بیان نمایم .

علم کیمیا آنست که اربـاب صنـاعت فلزات ناقصـه را بقـوت تدابیر کامله از مرتبهٔ نقصان به درجهٔ کمال رسانده و کاملترین فلزات فضـه و ذهب است است و درین علم کتب و رسـائل مفیـد مصـل تجـارت شهریاری و مجربات خوشحالی و هفت اجباب و غیر آن بسیارند و

تشریح این علم مفصل درین مختصره از جمله متعذرات است اما مجملی از ین بیان می کنیم تامبتدیان بر بعضی از اصطلاحات این علم واقف و آگاه شوند .

علم و ارواح و آن عبارتست از زیبق ونوشاد و اقسام گوگرد و انواع زرنیخ و این چیزها معدنی‌اند و بر آتش قیام ندارند اجسام مراد از فلزات سبعه است یعنی ذهب و فضه وزیر و سرب و حدید . نحاس و شبح یعنی جسد انفاس اداز جزای روابط است که میان ارواح و اجساد و ارتباط دهد حجر اسود مراد از موی سیاه سر جوانان صحیح‌المزاج است که د راعمال اکسیر اکثر جابکار می‌آید اصل بارد و مذکر و فرّار مکراد از زنبق یعنی سیماب است و اصل خار و مونث عبارت است از کبریت یعنی گوگرد قمر اول عبارت است از فضه یعنی نقره و عطارد و روی توتیا و ثانی عبارت است از شبح یعنی جسد زهره و ثالث مراد از نحاس مراد از اقسام حدیدست مشتری و سادس اشاره از ارزیر یعنی قلعی ست زحل و سادس ایما از سرب است عقاب عبارت ازنوسادر است و علم اصغر ررنیخ زرد طبقی است عروس گوگرد صراف نمک تلخ اسد شوره تقطیر عبارت از انست که احراز را باب حل کرده محلول را بواسطه علقه بطرف دیگر گیرند تات صاف و لطیف بچکد سحق انست کهٔ اجزا بآدند سنگ بدسته بسایند تا یکذات شود تضعید آنست که اجزا را ظرفی کرده و ظرف دیگر را با بالای آن نصب نموده و لبهای هر دو ظفرف از گل و لته بند کرده ظرف را بر سر اتش گزارند تا جوهر

اجزا بریده سطح طرف بالا چسبد تشویه انست که اجزا را در بوته یا د رقدحی نهاده و قدحی و یا بوته دیگر سرپوش کرده و لبهای هر دو بند نموده د راتش نرم گزار همه تشمیع آنست که اجزای مرکبه بحالتی در رسد که باندک حرارت آتش یا تاب آفتاب مثل موم گداخته شود و چون آن اجزای مشمع را بهوای سرد گزارند باز مثل موم منجمد شود تعضین آنست که اجزا را در طرفی که مناسب ان باشد بجای گزارند که عفونت در ان پیدا شود و کرها بوجود آیند حل آنست که اجزا را در شیشه کرده زیر ربل است یا جای نمناک دفن گکنند تا مثل اب محلول شود عقد آنست که محلول را در طرف زجاجی کرده بر سر خاکستر گرم گزارند تا منعقد شود و درین فن حل و عقد از جمله اسرار عظیمه ست که جمله مشتعلات و فرارات بدان تدبیر بجاست تکرار عمل بر سر آتش قیام پذیر شوند و انتهای حل و عقد بهفت مرتبه است و هر گاه از سحق و تصعید اجزا فارغ شوند نوبت بحل و عقد میرسد .

در فن کیمیا گران

کیمیاگر را بچند دلایل وو علامات توان شناخت اول آنکه او از مزید استغنا هرگز سر نیاز بشاه و وزیر و امیر فرو نیاورد تا بسادر عوام‌الناس چه باشد دوم آنکه از مردم نفور باشد و هرگز با کسی اختلاط نکند سوم آنکه بآبادی یا بقرب جوار آبادی هرگز سکونت نورزد ساکن و منازل ایشان دشت و بیابان و بیشه و کوهستان باشد چهارم آنکه هرگز حاجت خود پیش کسی بزد زیرا که حاجتمندی شیوه محتاجان است و محتاج نیست بلکه غنی ترست و غنا او بر غنا پادشاه فائق تر بود پنجم آنکه وقتی از اوقات کسی با اومراعات و مدارات یک پاره‌نان بایک قدح آب کند او همان وقتبلا توقف و تاخیر عوض آن احسان بااو کند یعنی از طلا و نقره هز چه ممکن باشد فی الفور چیزی بدو بخشد و راه خود گیرد و چنان غائب شود که باز پیش نظر او نیاید ششم آنکه کیمیاگر هرگز خود رافاش نکند وهر که خود را اعلانیه یابکنایه یا بدیگر لطائف الحیل ظاهر نماید بدانند که او هرگز کیمیاگر نیست مزور ومکارست هفتم انکه کیمیاگر هرگز سیر کیمیا را بکسی نکند مگر کسی راکهمثل او بند تعلقات گسسته خود را بخدمتگاری او فنا ساخته و انواع جور و جفاتی او که به جهت امتحان بعمل آورده و بهرضا و رغبت خاطر برداشته و از عهد طفلی همه عمر بخدمتگاری او بسر ساخته و بهر کیف نقد خدمتش

هر گاه زنی بار دار نمی شود باید ۱۱۰ مرتبه بسم الله الرحمن الرحیم را نوشته تا به اذن خدا بار دار شود .

هر گاه خواستی محبت کسی را در دلش بیفکنی بیاور یک قطعه شیرینی و بر روی آن ۷۸۶ مرتبه بسم الله الرحمن الرحیم نوشته و به خورد مطلوب داده .

هر گاه خواستی به دنبال کاری بروی و ناامید بودی ۱۰ مرتبه بسم الله الرحمن الرحیم را خوانده و یک حمد و چهار قل را خوانده و حرکت کن .

محبت

هر گاه خواستی کسی را از محبت و عشق بیقرار گردانی بیاور یک تکه غذای سگ و طلسم زیر را نوشته و بخورد سگ می‌دهی اگر مطلوب مرد باشد سگ نر و اگر مطلوب زن باشد باید به سگ ماده داد و این عمل را باید در ساعت سعد انجام داد.

و این طلسم را باید نوشت

۷۸۶

فلان زاده فلان من حب لتشدید و عاشق و بیقرار فلان زاده فلان گردد.

العجل ۳ الوحا ۳ الساعة ۳

یا ۳۰ ۲۰ ۱۰ ۲۰ ۸۰ ۱۰

فصل دوم

علم لیمیا



در بیان علم لیمیا

بدانکه علم لیمیا عبارت از امتزاج قوای فاعله علویات با قوای منفعله سفلیات است و آن عبارت از اسما و طلسمات است که بعمل آن افعال عجیب و آثار غریب ظاهر شود

و حروف بر دو قسم است مفردات و مرکبات اول بیان مفردات کنم الف هر کس که بامداد از بستر خواب پیش از حرف زدن هزار بار حرف الف را بر زبان راند صاحب ثروت شود و اگر هزار بار الف بساعت مشتری بکاغذ نوشته با خود دارد همان تاثیر بخشد و اگر ... سختی وضع حمل حرف الف را بر ناخنهای دست و پای

حامله رقم کنند وضع حمل بآسانی شود و در وقتی که ماه ورویال یا هبوط یا منحوس باشد بنظر نحس بلوح سرب دائره بکشند و دران دائره نام دشمن و مادرش نقش کنند و یکصد و یازده الف بر دور دائره بموجب نقشه که بذیل مندرج است نوشته در قبر کهنه مدفون سازند بزودی دفع آن دشمن می‌شود.



الباء اگر هزار و یک بار بر پوست شغال و باعث کرده بنام دشمن و مادرش نوشته بخانه دشمن دفن کند بزودی دفع دشمن شود و اگر محبوسی هزار و یکبار بخواند از حبس خلاص شود واگر نوشته با خوددارد هیچ آسیبی بوی نرسد و اگر هزار بار بر پوست دباغت کرده گربه نویسد و صاحب تپ دق با خوددارد شفایابد

التاء اگر مثلثی بر پوست دباغت کرده شیر روز شنبه وقت طلوع مریخ بکشد و در هر ضلع آن مثلث پنجاه و نه حرف تا بنویسد وبه محبوس دهد که با خود دارد فی الحال خلاص شود و اگر چهار صد تا بر کاغذ حریر بنویسد و با خود دارد در چشم مردم عزیز و مکرم

شود و اگر هر روز چهار صد بار بخواند در فتوحات بر روی او کشاده شود

الثاء اگر پانصد و هفتاد و نه حرف ثاء بر صدفی نقش کند و با خود دارد و از غرق شدن محفوظ باشد و اگر بست و یکبار بر جوز سر پهلو نویسد بهر طرفی هفت بار و در گذرگاه مفسدان دفن کند در جمعیت مفسدان پراکندگی رو دهد و اگر پانصد حرف ثاء بنویسد و در زیر بالین اطفال نهد در خواب نترسد و اگر بر لوحی از موم کافوری پانصد و هفتاد و نه بار با نام خود و نام مادر خود نقش کند و در کاریزی که از ملک او باشد میندازد هرگز آب ازان کاریز کم نشود

الجیم اگر بدین صورت ج بست و چهار بار بر نبات مصری نویسد و بخورد صاحب قولنج دهد شفا یابد و اگر زنی مردی را بسته باشد هزار و یک بار بر طشت نویسد و بآب بشوید و بخورد فی الحال گشاده شود و اگر سی و پنج بار بر قدحی نویسد و آنرا شسته بخورد مریض دهند از مرض شفا یابد

الحاء اگر بساعت اول یا هشتم روز دوشنبه یا جمعه که سر خالی از نحوست باشد هشت مرتبه بیک قطار در نگین انگشتری نقش کند و بانگشت کنند قوت باه بخشد و اگر صاحب تب در انگشت کند یا در آب اندازد ازان بخورد یا غسل کند شفا یابد الخاء اگر بر دوازده

پارچه های خشت نقش کند و در راه آبی که بباغ یا مزرع برود دفن کند از آفات ارضی و سماوی محفوظ ماند و اگر بساعت قمر شصت بار نوشته بنام غائب در زیر بر سرنهد و بخواند بر احوال غائب مطلع شود معلوم شود که غائب کجاست

الدال اگر عدد ملفوظی آنرا که سی و پنج است در مربع چهار در چهار بوضع رفتار او وقتیکه قمر در سرطان و ناظر به مشتری بود بر حریر سفید نقش کنند و در زیر نگین انگشتری نهند خدایتعالی بوی نعمتی ارزانی دارد که هرگز کم نشود و اگر بر ورق آهو بنگارند و با خود دارند حفظ و فهم و دانش زیاده شود

الذال اگر کسی بخواندن آن مداومت کند دولت او روی زوال نبیند و اگر هفت صد بار بخواند و بر شیرینی بدمد هر که از آن بخورد محبوب القلوب گردد

الراء در روز چهارشنبه آخر ماه پنج بار بر اطراف پیشانی نویسد صاحب درد شقیقه را سود بخشد و اگر روز یکشنبه یکصد حرف را نوشته در زیر بنای عمارتیکه نو میسازند بگزارند از شکستن و خراب شدن محفوظ ماند و اگر هفتاد حرف را بنویسد و در گوش خروس سفید نهند و سر دهند برود و در جای که دفینه باشد واگر بخورانند و برویذ متدد سر دهند همین عمل کند و اگر همین عدد نوشته در گوش خر نهند و باز برآورده در ظرف قلعی نهند و چندان نمک

بریزند که پنهان شود پس از ان در زیر سر خود نهند و هفتاد بار بخوانند و بخواب روند دفینه هر جائیکه باشد بخواب به بیند

الزاء وقتیکه قمر در جدی و مریخ تحت الارض باشد هفتاد و پنج بار بر ورق آهو نوشته با خود دارند از آفات محفوظ مانند و اگر همیشه بخواندن آن مداومت کنند از هیچکس نترسند

السین اگر بست و یکبار بر برگ نوشته بنام هر کس که خواهد در آب روان اندازد و آن کس بزودی بیاید و هر که همیشه بعد نماز ظهر شصت بار بخواند صاحب کرامات شود و اگر به همین عدد نوشته در گلوی اطفال بندد زود به سخن درآید

الشین و اگر چهل و دو حرف بریزهٔ قفل نویسدو بر چهل و سه خرما بر هر عدد چهل و دو بار نوشته آن تره قفل و خرما را بدامن زن نالتحذا بسته در گذرگاه عام بیندازند هر گاه کسی آن قفل را گشاده ازان خرما بخورد بخت آن زن ناکتخدا گشاده شود و شوهرش پیدا گردد و اگر بر چهل پارچه کاغذ نوشته در چهل لقمه نان گزاشته بنام هر کس که خواهد هر یک لقمه نان را بیک یک سگ بخوراند زبان آنکس بسته شود واگر بوقت خواب سه صد بار بنام زن حامله بخواند در خواب بیند که زن دختر زاید یا پس و اگر بطعام و شراب به همین عدد بخواند و بخوردن زن حامله دهد زود بار بند

الصاد اگر در وقت پیاده رفتن بخواندن اینحرف مداومت کند در راه مانده نشود و زود بمنزل برسد الضاد اگر هشت صد بار بطعام بخواند و بخورد مصروع دهد شفا یابد و صاحب ضعف دل را نیز به همین عدد نفع بخشد

الطاء هر که خواهد از میان دشمنان نجات یابد یکبار بناخن خود بنویسد و ده بار بر بخواند بیک نفس و بیرون آید و با کسی سخن نگوید بسلامت برود

الظاء اگر هر بامداد و وقت پیشین نه صد بار بخواند بجانب خانه کسی که از و در آزار باشد بدمد بزودی دفع شود و به همین نوشته بر مصروع بندد صحت یابد

العین اگر ده بار بقلقطار یا خون کبوتر بر برگ ترنج نوشته با گلاب بشوید و بخورد صاحب قولنج بدهد شفا یابد و اگر در ستدیس زهره و مشتری بمشک و زعفران و گلاب بنام هر که خواهد نوشته با خود دارد زود به مطلب خود برسد و اگر به همین ساعت نوشته بخورد مطلوب بدهد بهر چیزیکه باشد زود بمطلوب خود برسد

الغین اگر هزار حرف غین بر برگ حنظل نوشته در سبوطه مربخ در خانه خصم دفن کند زود آواره شود و اگر به همین عدد بطرف خانه او بخواند و بدمد همین فائده بخشد

الفاء اگر هشتاد بار یا فتاح در قدح زجاجی نویسند و بآب بشویند و بخورد زن حامله دهند فی الحال بار بندد و اگر کسی هشتاد روز هشتاد بار بخواند و بسوی خانه دشمن بدمد زود هلاک شود واگر بناه غائبی هزار بار بر کرباس پاک نوشته بسوزاند زود بیاید

القاف اگر روزی چهل بار بخواند مطالب او زود ساخته شود و اگر صد بار بر برگ جوز نوشته بخانه دشمن دفن کند زود آواره شود و اگر دو صد بار بر کاغذی بنام هر که خود بنویسد و در زیر سنگ گران نهد خواب آنکس بسته شود و تا بیرون نیارد و محو نکند آنکس را خواب نبرد

الکاف اگر کسی در ساعت زهره یا مشتری یا قمر بنویسد و با خود دارد یا هر روز و هر شب دو صد بار بخواند و بر خود بدمد در چشم مردم عزیز گردد و اگر بیست بار باین طریق بنویسد

ک ک ک ک ک
ک ک ک ک
ک ک ک ک
ک ک ک
ک ک ک
ک ک ک

و بر گردن خروس بسته قدری سیماب در گوش آویزد و در موضعی که گمان دفینه باشد سر دهد خروس بدان موضع رود و به منقار بر زمین زند

اللام هفتاد و یک حرف به کارد نویسد و هفتاد و یکبار بسفرجل بخواند و بدمد و بزن کارد آن سفرجل را تبراشد و بخوردن زن و شوهر که با هم الفت نداشته باشند بدهد در میان ایشان مواصلت و

الشیام پدید آید و اگر هر روز دو صد بار می‌خوانده باشد از کید دشمن نجات یابد

المیم اگر یکصد و پنجاه و یک حرف میم بشرطیکه به چشم آن مفتوح باشد بدینصورت مهر بسبب سرخ یا آبی بنویسد و بخورد مغلوب بدهند یا باستشمام او رسانند محبت عظیم بهم برساند و اگر کسی از کسی چیزی طلب دارد و آنکس آنچیز ندهد نود بار بخواند و بسوی آن کس بدمد بزودی او را بدهد واگر چهل بار بر ظرفی بنویسد و بشویند و بخورند حافظه و فهم زیاده کند

النون اگر بست و یکبار بر نعل اسب وقتیکه زهره به آفتاب باشد بنام هر که خواهد بنویسد و در آتش اندازد آنکس بعشق او بیقرار شود وا گر یکصد و شش حرف بر کارد فولاد بنام هر که خواهد بنویسد و در دیوار رو به قبله فرو برد مادامیکه کارد بدیوار باشد خواب آنکس بسته شود و اگر پنجاه حرف نون بنویسد و با خود دارد هیچ جانور گزنده او را نگزد

الواو اگر نودونه بار بنام شخصی بر ورق آهو نوشته وقتیکه قمر تحت الشعاع باشد در هوا بیویزد خواب آنکس بسته شود و اگر خواهد بطرفی رود که هیچ گونه رفتن آنطرف میسر نشود اگر هر صباح شصت بار بخواند دید آنطرف بدمد بزودی آن طرف میسر گردد

الهاء اگر فقر و فاقه بر کسی مستولی شود باید که از زیر ناودان چهل توانگر چهل سنگریزه بردارد و وقتیکه قمر زایدالنور و مسعود بود بهر یک یک ه نویسد و در زیر بالین خود نهد بلکه دفن کند البته جمعیت بهمرساند و اگر به قصد دفع دشمن بخاک گورستان بخواند و بخانه دشمن بپاشد بزودی دفع شود

الیاء اگر صد بار بر حریر سفید بنویسد و با خود دارد زبان بدگویان ازو کوتاه شود و اگر بهمین عدد بر آلات زرع نقش کند زراعت بسیار شود و از آفت ایمن باشد اما اعمال حروف مفرداست آنگاه درست آید که زکوه بست و هشت حروف به بست و هشت روز بتقدیم رسانیده باشد و بغیر ادای زکوه هرگز عمل مفردات راست نیاید و طریق ادای زکوه آنست که هر حرف را هر روز بحساب عدد ملفوظی آن بوقت معین با طهارت در خلوت یا در صحرا بخواند و به بست و هشت روز از زکوه فارغ شود عمل راست آید فقط اکنون مجملی از خواص مرکبات مینویسیم اگر کسی از چیزی ترسان باشد و بحالت ترس بگوید کهیعص حمعسق لاحول و لا قوه الا بالله العلی العظیم از آنچه که ترسان بود ایمن گردد و اگر این اسم را بر سفال آب نارسیده بنام گریخته بنویسد و در آتش اندازد البته باز آید اسم اینست یارعیوس واهم گریخته را بر روی دیگر سفال بنویسد و گر این اسما را بر انگشتان و کفدست کسیکه گمان دزدی

برو باشد بدین ترتیب بنویسد بانگشت ابهام این شکل طلیلیلج و بر
انگشت سبابه این شکل ملیح و با انگشت وسطی این شکل طلیسر و
بر انگشت بنصر این شکل صلطح و بر خنصر این شکل طمطح دور
کفدست نویسد معاذالله ان ناخذالامن وجدنا و متاعنا عنده انا اذا
الظالمون اگر او دزدیده باشد انگشتان او بهم نشود و اگر نام کسیکه
اشتباه دزدی برو باشد بر کاغذ بنویسد و این اسما یا افضیح یا الحیح
و افطیح لاحول و لا قوه الا بالله العلی العظیم بران بخواند و بسوزاند
خاکستر آن را بر دست آن کس بمالد اگر او دزدیده باشد در
خاکستر نقش نام او مشاهده گردد
اگر این شکل رادر ✡ ااام ااا اا:ااحما سفر
میان بارخود گزارد از حرق و غرق و سرق ایمن باشد اگر بزرگی از
کسی رنجیده باشد و بیم آزار از اوباشد یابد که این طلسم را اگر مرد
باشد بخون کبوتر نر و از زن باشد به خون کبوتر ماده بزغفران و
گلاب بر برگ نارنج بنویسد و به مقل ارزق و انرزور بخور کند دور
خرقه زرد پیچیده در موم عروسی گرفته در گردن یا ببازوی راست
خود ببندد و نزد آن شخص برود نهایت محبت ازو ببیند طلسم این
است ۱۳۳۱ الما ام ۱۱۱۳ ن هو معا معادو هی ۱۱ سط ط طنا هی
بالعجل بالعجل مع المحبت فلان بن فلان طلسمی که بجهت درد
گردد تاثیر کلی دارد هر گاه نزول کند زهره در برج میزان یا ثور و

قمر با او مقارن شود یا اتصال داشته باشد با او اتصال مقلوبی بگیرند سنگ سرخ یا سفید و آنرا بصورت گرده بتراشد اما باید که وزن آن سنگ از هفت مثقال زیاده نباشد و بیک جانب آن گروه اینصورت را که بذیل نوشته است نقش کرده و آنرا بطول سوراخ کرده با ابریشم زرد ببازوی کسیکه رو کرده داشته باشد به بندند انشاءالله تعالی دیگر بار شکایت درد گروه نکند.

صورت این است.



طلسم دوم کسیکه بیاویزده این طلسم را در بازو یا گردن خود همیشه محفوظ باشد از بلاها و رنجها و مدام با فرح و شادمانی باشد بگیرند طلا و نقره هر یکی به مقدار هفت مثقال باشد و هر دو را یکجا گداخته بشکل حرز تیارسانند مگر وقتیکه زهره در برج ثور باشد و قمر در برج سرطان و چون حرز تیار شود در وقتیکه برج ثور طالع باشد این صورت را که بذیل است برای حرز نقش کند و وقتی که قمر بازهره اتصال مقلوبی داشته باشد بابریشم سبز ببازو ببندد یا بگردن آویزد این صورت اینست



طلسم سوم که این را خاتم شمس گویند ازفواید این آنست که هر که این خاتم را بپوشاد در چشم بادشاهان عالی مقدار و سلاطین ذوالاقتدار معزز و محترم باشد و هر چه آنکس ازیشان بخواهد

حاجت او ادا کنند هر گاه آفتاب بدرجه برج حمل نزول کند که آن عبارت از شرف آفتاب ست بگیرند طلای خالص نوزده مثقال و ازان بازوبندی بسازند بصورت انگشتری که نگین آن هم از طلا باشد و وزن نگین چهار مثقال باشد منجمله نوزده مثقال و نقش کند بر این خاتم که بذیل نوشته می‌شود و باید که شروع این عمل از شروع وقت داخل شدن آفتاب در اول درجه نوزدهم حمل و انجام این عمل در آخر درجه نوزدهم باشد و چون این بازو بند تیار شود نگاهدارند و هر گاه که متصل باشد قمر بافتاب از اسد باید که آن بازوبند را بپوشند و باید که وزن این بازوبند از نوزده مثقال نه زیاده باشد نه کم جمله مخلوقات جهان از شاه و وزیر و طبقات انام صاحب آن بازوبند را مقرر و محترم دارند صورت اینست



طلسم چهارم و آن خاتم مریخ‌ست و از خواص آنست که نزد هر کس که باشد شجاعت و تهورا و بیفزایند و بر دشمنان در جنگ غالب باشد و دزدان و راهزنان از دخائف باشند و اقسام افاعی و ماریا و زنبوریا و انواع درنده و گزنده و نزدیک دارنده این حرز نیایند هر گاه که نزول کند مریخ در برج جدی و متصل باشد باد قمر از برج عقرب پس بگیرند از فولاد بهتر پنج مثقال و خاتمی از آن تیز سازند که نگینش از فولاد باشد و مربع بود و این صورت را بران نگین نقش کنند و پشت نگین را بخون شیر نر آلوده کرده بخاتم وصل کرده بانگشت کنند و دارنده این خاتم از مرض لقوه و قولنج و حزن و رعشه و جمیع امراض که از بلغم باشد محفوظ ماند صورت آن اینست



طلسم پنجم و آن بجهت دفع ماربا و اثر سم افاعی سریع الاثرست و در جائیکه این صورت باشد ماربا از انجا بگریزند و اگر کسی را مار گزیده باشد و او فی الفور این صورت را به بیند از گزند زهر مار خلاص شود هر گاه نزول کند قمر بدرجه از درجات نصف آخر قوس و برج قوس طالع باشد پس نقش کن این صورت را بر باز و بند فولاد یا آهن یا سنگ و نگاهدارد و اگر کسی را افعی یا هر قسم ماریکه باشد بگزد و آن کس فی الفور این صورت را به بیند در ساعت شفا یابد و اگر این صورت که بر فولاد یا سنگ یا آهن نقش کرده باشد بر موم بچسپانند که صورت آن بر موم منقش شود و آن صورت را با آب شسته بمار گزیده بخورانند فی الفور شفا یابد



برمحک امتحان او کاملتر برآمده و بریاضت شاقه بتزکیه نفس و تصفیه باطن پرداخته پس چنین کس را وقتیکه اجلش فرا رسر بر اسرار کیمیا مطلع گرداند و بمیرد این هفت دلیل که مذکور شد از عمده آثار و علامات کیمیاگرانست و هر که بخلاف این علامات باشد یا یک دو علامت کمتر در اویافت شود به یقین دانند که او هرگز کیمیا گر نیست هر آینه بدام فریبش نیایند و دامنگیر او نشوند که محنت و مال هر دو رایگان رود راقماین حروف دراوائل ایام عمری در ین هوس بیهوده صرف ساخته و فریب های که از مکاران این فن دیده و زیانهای که از مکر و خداع ایشان برشته تجربه حاصل ساخته اگر همه را به تفصیل بر نگاریم دفتری املا شد انشاءالله تعالی بوقت فرصت برای خبرت و آگاهی هر خاص و عام رساله علی حده خواهم نگاشت و چون شرع آن طولانی داشت لذا بطریق اختیار این دلایل چند را بطریق قاعده کلیه ضبط کردم تا مبتدیان از شرزابلی مکرو خداع محفوظ باشند و در شخصی که یکی از آن هفت دلیل مذکور به بینند به یقین پندارند که او کیمیا گر نیست مزور و مکار است که برای فریب مردمان حیله گری اختیار کرده .

فصل سوم

علم هیمیا

در بیان علم هیمیا

علم هیمیا عبارتست از علم تسخیرات و آن مسخر ساختن قوای سیارگان و ملائم گردانیدن جنات است بار تکاب ریاضات و مداومت غرائم دو عوات بدانکه این علم نهایت شریف است اما تا وقتیکه استاد کامل بهم نرسد هرگز بار تکاب چنین اعمال مبادرت نه نمایند که بیم و خطر جان‌ست و چون علم این اعمال بغیر استاد هیچ کار آمدنی نیست لهذا در مینباب کمتر نوشتم

هر گاه که روز پنجشنبه با دل ماه شود بعد از نماز صبح غسل کند و در مکان پاک و مطهر درآید و هزار بار سوره قل هو الله احد بخواند

و همچنین بعد از نماز پیشین هزار بار و در نصف شب هزار بار و بعد
از فراغ ازان دو رکعت نماز بگزارد او تا چهارده روز بدین ترتیب
بخواند که مجموع هشتاد و چهار هزار می‌شود در روز پنجشنبه سوم
هزار بار بخواند و بعد ازان هزار بار این دعا بخواند یا حنان انت الذی
وسعت حل شی رحمه و علما و صد نوبت این دعا بخواند اللهم انی
اسالک ان تسخر لی خدام نداه القبور الشریفه من لا آله الا الله محمد
رسول الله چون از خواندن دعا فارغ شود دیوار بشگافد و فرشته برون
آید و گوید السلام علیک ای بنده صالح میان من و تو برادوری شد
بعد ازین پی هر چیز مرد و غیبت مردم مگوی و هر پنجشنبه قبور
مسلمانان را زیارت میکن و سوره اخلاص میخوان و گوید نام من
عبدالله‌ست چون قل هو الله بخوانی من حاضر شوم و ترا بطرفته العین
بمکه معظمه برسانم و باز آورم و دیگر بیاید و بگوید نام من
عبدالاحد است چون قل هم الله بخوانی بیایم و برای نوروزی حلال
بیاورم و بر چیزهای مخفی ترا مطلع گردانم و سومی بیاید و بگوید
نام من عبدالصمد است چون قل هو الله احد بخوانی زود حاضر شوم
و ترا کیمیا بیاموزانم و بر کاریکه اراده فرمائی سرانجام و همچنین
عهد و پیمان کنند و رخصت شوند باید که در ایام دعوت جامه سفید
بپوشند و نان جوبی نمک و دانه انگور سیاه و مغز بادام خورند و هر
صباح عود در آتش نهند بتوفیق خدا زود بمقصود رسند و طریق

تسخیرات سبعه سیاره و جنات بسیار دشوارترست و خوفهای عظیم و هولهای هوش‌ربا و جانکاه دران واقع می‌شود لهذا از سر بیان آن درگذشتم

تدبیر تسخیر بساع و بهایم بگیرد زبان گربه سیاه و در کفش یاموزه مابین دو چرم نهد بطریقیکه زبان مذکور در میان دو چرم در کفش محفوظ باشد و آن کفش در پای کند و بصحرا رود تمام سباع و بهائم مسخر و مطیع او باشند و اگر خواهد که هیچی سگی بروی بانگ نکند و جمیع درندگان از وخائف و هراسان باشند بگیرد زبان سگ سیاه و بهمان دستور که مذکور شد در زیر کفش یا موزه نهند همه تابع او شوند و هیچگاه قصد اذیت و آزار او نکنند و این تسخیرات که مذکور شد از جمله مجربات سکاکی ست هر که بموجب این ترکیب عمل کند بمطلب برسد.

فصل چهارم

علم سیمیا

در بیان علم سیمیا

بدانکه علم سیمیا خیالاتی ست که بسبب بعضی اعمال تصرف در قدرت متخیله حاضران کند و مثالات خیالیه در نظرهای مردم درآید که آنرا در خارج و جودی نباشد برخی ازان بجهت ادراک مبتدیان بیان می‌نمایم

بگیرد برگ کاهو و آنرا بخون شتر بیالاید و بروغن کاهو چرب کند و بظرف رصاص کرده سر آنرامحکم بندد و بزیرزبل اسپ دفن کند و بعد یک هفته تبدیل زبل کند تا وقتیکه جانوری دران متولد شود بصورت ماری و سر او بسر شتر مشابه باشد و هر دو چشمان او سیاه باشد او را دو بال باشد پس باید که قدری از خون فصد شتر مهیا داشته باشد هَر گاه آن جانور چشم بگشاید فی الفور قدری بر چشم

وروی او ریزد چنانکه دریک وزوشب بقدر نیم پاد آثا
قصدشتر بر چشم و روی او ریخته باشد بعد از سه شبانه روز قدری از
جگر شتر پیش او اندازد تا بخورد و تا چهار روز از جگر شتر
خوراک او دهد بعد از هفت روز آن جانور بشکل مدور شود پس
درین وقت قدری از بول شتر برو ریزد فی‌الفور بیاشامد و ضعیف
شود پس بعد از سه ساعت کارد تیزی اندرون ظرف بگردن او نهد و
زور کند تا خون او بجوشد و دران ظرف جمع شود هر که قدری
ازان خون بکف پای بمالد بروی آب تواند رفت و هرگز غرق نشود
و طی الارض نیز حاصل شود یعنی راه یکمال بیک روز طی کند و
اگر ازان خون قدری بر روی خود مالد کسی راو را نه بیند و اگر بر
سر مالد و سر برهنه بزیر آسمان بایستد فی الفور ابری پیدا شود و
باران بیارد

نوع دیگر بگرد لوبیا و آنرا بخون حمار بیالاید و در ظرفی کرده
در زیر سرگین جمار دفن کند و هر روز آن زمین را به بول حمار تر
سازد تا مدت سه ماه بعد از آن بیرون آورد دران ماران سرخ که هر
یکی گزنده و کشنده باشد پیدا شده باشند آن ماران را با ا حتیاط و
خودداری تمام در ظرف کلان زجاجی کند که سر آن تنگ باشد و
تا یکهفته خون حمار بخورد آنها بدهد پس سر آن ظرف را محکم
بسته تا سه هفته بگزار تا همه ماران یکدیگر را بخورند و یکی باقی

ماند ملون بانواع الوان و تاجی مثل خروس و دو بال خرد خواهد
داشت و یونانیان او را کثموس نامند و او را برای خوردن هیچ نباید و
او تاقوت حرکت او را نباشد پس دماغ خود را محکم ببندد که
رایحه او ضرر عظیم بدماغ می‌رساند و دستانه پوست محکم بر دستها
باید کشید و آن مار را بزنبوری گرفته از طرف شیشه برآورده به
تغاری افکنده فی الفور کارد تیز بر سرش برانند و چنان نکنند که
سرش از هم جدا شود که مبادا سر بریده بطپد و آزاری بصاحب
عمل رساند چون بمیرد خون او در عمل کیمیا بمنزله اکسیر است که
اگر قدری از آن بر مس گداخته اندازند طلای خالص شود و سر و
گوشت او را با احتیاط نگاهدارند از خواص سر اوست که هر گاه
باران عظیم ببارد بجانب آسمان سر را نمودار کنند باران موقوف شود
و در هر لشکری که آن سر باشد همیشه منصور و فیروزمند باشد و
هر که آن سر را ببازوی خود به بندد بروی آب رود غرق نشود و به
هواشکل طائران طیران نماید و از چشم مردمان پنهان شود و ببازی و
هر مریضی که بندند فی الفور شفا یابد و اگر از گوشت او بوزن
دانگی بخورد کسی دهند فی الفور هلاک شود

نوع دیگر بگیرند عدس که هر یک روسی آن سبز شده باشد و
بخون کبوتر بیالایند و در ظروف روغن دار کرده بزیر سرگین اسب
دفن کنند پس از چند روز متعفن شده ازو صورتی بوجود آید که

روی او شبیه بروی انسان و بدن او مشابه مرغ و زیاده از هفت روز پرنده چون بمیرد او را بمومیائی و مرصا فی بیالاید و درلته پیچیده با خود دارد ازخواص اوست که دارنده آنرا طی الارض حاصل باشد و جمیع سباع و بهائم مطیع او شوند بمرتبه که اگر خواهد برانها سوار شود و دارنده آن تا چهلروز از طعام مستغنی باشد و اگر قبل از موت شکم او را چاک کنند آبیکه از شکم او برآید نگاهدارنده اگر بسر چوبی بقدر نیم قطره برداشته و در گوش چکانند کلام جنات بشنوند و زبان حیوانات بفهمند

عمل دیگر بیارد موش دشتی و او را در آب باران یا آب انهار که مدام روان باشد مثل نهر گنگ یا جمن یا غیر آن غوطه‌های پی در پی دهد تا بمیرد پس خشک ساخته بربع وزن آن دل بوزن و دل طوطی سخنگوی که عبارات از شارک کوهیست مجموع را خشک کرده کوفته بیخته نگاهدارد هر گاه قدری از آن در آب یا شربت بخورد هر چه بشود یاد گیرد و هر چه بخاطر مردمان بگذرد بر آن اطلاع یابد

عمل دیگر بگیرد استخوان کرکس و استخوان مار سیاه و استخوان آدم مجموع را تا چهل روز در زیر زمین دفن کنند بعد از آن برآورده خشک سازد و پس بیارد استخوان پوسیده انسان مجموع را کوفته با هم بیامزد و در پای هر درخت که خواهد بسوزد تمام شاخها

جذب القلوب

هر گاه خواستی کسی را ازعشق و محبت بیقرار گردانی یا خلقی را مجذوب وعاشق خود کنی بیاور ۲ عدد ورقه مسی وبرروی آن طلسم زیررانقش کندویکی راهمراه خودکن ویکی رادرجلودرب منزل مطلوب دفن کن واین عمل راباید درروزیکشنبه درساعت شمس دراول ماه انجام داد ودرامرحلال اجازه داده شده وطالع طالب دراین وقت قمردرعقرب نباشدو بخورمی کندهنگام نوشتن به صندل سرخ ودرمکانی خلوت وپاک وباطهارت قبلا حمام رفته غسل کندوبعد ۱۰۰ صلوات برروح پیغمبرفرستاده و ۱۰ مرتبه بسم الله الرحمن الرحیم گفته وشروع به نوشتن می کندوبامیخ فولادطلسم رابرروی ورقه مسی نوشت

توجه: فقط در امر حلال استفاده کنید.

واین طلسم رابایدنوشت

٧٨٦

۳۱۸۸۶۱۹۸۲۹۳۱٤۸۱۸۱۵۱۱۸۸

۱۱۸۱۱۸٤٤۱۸۱ محمد ۸۲٤۵۹

۱۸۱۹۱۸ ۸ ۸ ماس

یا ۱۰۲۰۳۰۰ ۱۰۸۰۸۲۰ یا ۱۰۰ ۵۱ ۶۲۰۰

فایده

اسامی موکلان ۱۲ برج به‌شرح زیر می باشند :

حمل	اسرافیل
ثور	عزرائیل
جوزا	اسرائیل
سرطان	سهفائیل
اسد	شراطیل
سنبله	شهکیل
میزان	سهرائیل
عقرب	صرصائیل
قوس	شریطائیل
جدی	شمطائیل
دلو	صهکائیل
حوت	نقیائیل

توجه : هرکس بر طالعی متولد شده اگر موکل خود

بسیار یاد کند و ذکر خود نماید بسیار فایده

خواهد دید مختصر اشاره شد .

فایده

فلک قمر بنام قائل است و به توسط اسم قائل خلق شد و اسم خالق غلبه دارد بر این فلک و الی آخر....

نام	کوکب		فلک	روز
قائل	قمر	خالق	اول	دوشنبه
مقصد	عطارد	باری	دوم	چهارشنبه
مزیم	زهره	مصور	سوم	جمعه
حی	شمس	حی	چهارم	یکشنبه
قادر	مریخ	قاهرو	پنجم	سه‌شنبه
عالم	مشتری	حکیم	ششم	پنجشنبه
جواد	زحل	رب	هفتم	شنبه

فایده

اسماء ملائکه که اعوان هفت ملک که معاون روح هستند

روز	کوکب			فلک
شنبه	زحل	ترسئیل	نجوبیا	ششم
یکشنبه	شمس	صاحائیل	افلون	چهارم
دوشنبه	قمر	اسماعیل	برقیا	اول
سه‌شنبه	مریخ	کاکائیل	وبقاه	پنجم
چهارشنبه	عطارد	شیخائیل	برقیه	دوم
پنج‌شنبه	مشتری	سمحائیل	برقاد	ششم
جمعه	زهره	سندیائیل	ماعون	سوم

بنویسد و در طاسی که از مس یا برنج یا هیچ یکی از فلزات و معدنیات باشد بدارد و پنجاه بار آن اسم مذکوز را بخواند و از صاحب ساعت مدد طلبد و بگوید یا شمعون خذ علی العیون و بخواند اسم مذکور مشغول باشد فی الحال آن طاس از نظرهای اهل انجمن غائب شود و در حقیقت غائب نیست مگر از نظرها پنهان باشد و هر گاه استخوان ازان طاس بردارد باز ظاهر شود اکنون بیان رماد مذکوره کنم یعنی خاکستری که از استخوان و پر های سوخته هدهد حاصل شدخواص او قلب ماهیت انسانست بصورت دیگر صفت آن بگیرند بحب الخروع و حب الارض وحب الورد و حب الربع از هر کدام درمی و هر یک را جداجدا بکوبد تا مثل غبار باریک شود و با هم بیامیزد و هم وزن آن ازان زماد یعنی استخوان سوخته هدهد دران بیامیزد و بخون نشتر یا حجامت خمیر کرده حب‌ها سازد و هر یک حب بقدر دو دانگ پس از آن زماد بقدری بخون آدم و گلاب حل ساخته ازان این طلسم ســـــصم ۶۹۷۹۱ ـشـم

و این اسم را علهلکعلعلشنیثا بر کاغذی نوشته این اسم را پنجاه بار بخواند پس کسی را از حاضران مجلس طلبده آن کاغذ را بدست وی دهد و یکی از آن حبوب را بزیر دامن او بخور کند یعنی بر سر آتش گزارد و بگوید که این در نظرهای اهل انجمن اسپ یا گاو و شتر یا خر یا گربه یا سگ بشود یا نام هر جانوری که از وحش و طیر

باشد بگیرد بقدرت الهی آنکس بصورت همان جانور در نظرهای
مردمان نمایان شود و هر گاه از دستش آن کاغذ را بگیرند و آن
بخورد ور کنند بصورت اصلی خود بازآید

عمل مجاور و مسافر بگیرند دو تنگه یکی احمر و یکی ابیض
یعنی یک اشرفی و دیگر و پیرو بهر دو تنگه ها اول اینحروف بنویسد
ب س م ال ل م ال و ح م ان اله و ح م نساله هی دال ل ه اخ دال ل ه
بعد از آن به تنگه سرخ این اسم
بنویسد ۲۱۹ ل ۱۱۱۱۹۹ ۱۸ ح واال ۱۱۱۸۱۱ بر تنگه سفید ف
این XXXXXXXX شکل ۱۱ ۱۹ سم ۱۹ سو ۱۱۱۱۹ ۱۲۷ بنویسد
پس بگیرد و دو زرع یکی نر و یکی ماده طلسم اول را بر تنگه سرخ
پیچیده در دهن نر گزارند و دهن و جمله منافذ او را با ابریشم سرخ
بدوزند و طلسم دوم را بر تنگه سفید پیچیده بدهن ماده گزارند و
منافذ او را هم با ابریشم سفید بدوزند و در مغاکی که بقدر یک گز
عمیق باشد جدا جدا دفن کنند و بعد هفت روز بیرون کشند هر دو
یکجا جمع شده باشند پس آنکه بیکی دیگر پیوسته آن مسافرت و
آنکه با او پیوسته آن مجاورست پس مسافر را خرج کند و مجاور را
نگاه دارد که مسافر را هر جا که خرج کرده باشد همان ساعت نزد
مجاور درآید و این عمل در شریعت حرام است هرگز گرد این کار
نباید گردید که موجب وبال دنیا و نکال آخرت ست

عمل در منع اشتهای طعام بگیرند جگر شتر و بآتش کباب کنند و هموزن آن بادام مقشر و شکر جمله را با هم بکوبند و بسایه خشک کنند و حبوب بوزن دو دانگ نیار ساخته نگاهدارنده بعد از تنقیه و استعمال مسهلات که معده و بدن از اخلاط فاسده پاک باشد یک حب تناول کنند تا یکهفته محتاج طعام نشوند

نوعدیگر بگیرند بادام مقشر و یکشب در شیر تازه گاو یا گاومیش تر دارند و صباح از شیر برآورده بآفتاب خشک کنند باز شب دیگر تر کنند و صبح بآفتاب خشک کنند بعد ازان بگیرند هموزن آن دانه تمرو با آن صلایه کرده بروغن بنفشه و یا بادام یا روغن جوز بیامیزند و نگاهدارند وبعد از تنقیه بقدر جوز بخورند تا بست روز محتاج طعام نشوند مگر آثار گرسنگی معلوم نشود

نوعدیگر بگیرند جگر آهو یا بره یا گوسپند هر چه میسر آید و عروق از وی جدا کنند و پاک و صاف کرده در گلاب انداخته دو سه روز خوب بآن آمیخته و کوفته در سایه خشک کنند و هرگاه خشک شود باریک شده بطور سفوف کرده نگاهدارند و بعد تنقیه بقدردو دانگ بخورند تا ده روز هرگز محتاج غذا نشوند و اگر این قسم ادویات بغیر تنقیه و استعمال مسهلات استعمال کنند اندیشه حدوث امراض صعب و هلاک است هرگز بغیر تنقیه استعمال نباید کرد که بیم هلاک است

نوعدیگر بگیر جگر و زبان بزه یا گوسفند و بادام مقشر و مغز جوز و مغز فندق و پسته و آرد سنجد و نان خشک و کتیرا جمله را کوفته باریک ساخته روغن بادام یا روغن بنفشه حب ها بقدر یک یک مثقال بسازند و بسایه خشک کرده نگاهدارند هر گاه یک حب بخورند تا یکماه محتاج طعام نشوند اما اول تنقیه شرط ست والا بیم هلاکتست

عمل در منع تشنگی که محتاج آب نشود بگیرند زیره کرمانی و بآب بجوشانند پس خنک کرده و کوفته با عسل کف گرفته بآمیزد و بقدر جوز بو ا تناول کنند تا هفت روز محتاج آب نشوند

عمل منع خواب بگیرند چرک گوش سگ تازی با زرنیخ و روغن آمیخته در لته بسته بر بازوی چپ ببندند هرگز خواب نید تا وقتیکه در بازو بسته باشد

نوعدیگر بوم را بدست آورده بکشند و بعد کشته شدنش یک چشم او باز می‌ماند آنرا گرفته در لته بسته بگردن بیاویزند تا وقتی که بگردن آویخته باشد هر گز خواب بزد این بود مجملی از اعمال سیمیا

فصل پنجم

علم ریمیا

در بیان علم ریمیا

ریمیا و آنرا نیز نجات نیز گویند آنشعبدات است که اهل آن فن قوای جواهرارضی را با یکدیگر امتزاج دهند و ازان فعلی ظاهر شود و اثری رو نماند که عجیب و غریب باشد درین علم اعمال بسیارست و کتب پیشما را ما بعضی ازان بجهت تعلیم مبتدیان بیان نمائیم تا برحقیقت این علم آگاه شوید

و این که بگیرد براوه سفید رومی در پنبه کهنه ریزد و فتیله سازد چنانکه تمام براده دران پیچیده شود بعد از ان در چراغ نو نهد و

روغن لادن دران ریخته روغن روشن کند هر که در روشنی آن چراغ نشیند رنگ و رویش زرد و دندانهایش سیاه نماید

عمل دیگر بگیرد خون کنجشک سبز و بر پوست گردن خروس مالد و پاره زنگار دران بپاشند و بجامه کهنه پیچیده فتیله سازند و چنان نماید که مرغان را رنگارنگ در هوای آن خانه پرواز میکنند.

عمل دیگر بگیرد پیه خوک و پیه گرگ و هریکی را جدا جدا در دو چراغ کند و از پنبه دو فتیله طیار کرده در هر دو چراغ نهد و هر دو را روشن کرده اندک و وربه بعد یک وجب هر دو چراغ را بگزارد و شعله‌های هر دو چراغ با هم بپیچند و گویند که از پیه بز و خرگوش نیز اثرمشاهده میشود

عمل دیگر فتیله از پوست مار سیاه ساخته با روغن فقط در چراغ سبز یا سیاه روشن کند تمام خانه پر از ماران سیاه معلوم شود

عمل دیگر بیارد سرگین گرگ و سگ و چرک گوش سگ و پیه گرگ و خرقه کتان رابدان آلوده فتیله سازد و در چراغ نو نهد در روزغن زیبق دران ریزد و روشن کند اهل آن مجلس همدیگر را بصورت سگ مشاهده کنند

عمل دیگر بگیرد خون خرگوش و یا روغن بگل بیامیزد درچراغ نو کرده فتیله از پنبه سرخ و دران نهد و روشن کند اهل مجلس چنان

بینند که دران خانه می‌آید پنبه بسرخ قسمی ا ز پنبه است که بذاته سرخ می‌باشد

عمل دیگر بیارد پیه کشف و بوره ارمنی دران ممروج کند و فتیله از خرقه کتان ساخته دران بیاید و در چراغ نو نهاده با روغن زینق روشن کند مردمان آنخانه چنان پندارند که بکشتی نشسته گویا سیر دریا میکنند

عمل دیگر بیارد نیل سوده در خرقه نو پیچیده در چراغ نو یا روغن بیدانجیر روشن کند چنان نماید که مردمان آنخانه تمام سبز پوش شده اند

عمل دیگر بیارد شیشه صافی قدری شراب تیز مردان ریزد و قدری کبریت نیز اندازد و بخانه تاریک نهد چنان نماید که گویا آتش در میان شیشه داشته اند

عمل دیگر کبریت را با لفظ سفید بیامیزد و بر تخته یا دیواری ازان خطوط بکشند بهر نوع که خواهد و آتش بر یکجانب خطوط بزند در حال تمام آن خطوط روشن شود

عمل عجیب صورت هر جانوریکه خواسته باشد از گل تیار کند مجوف و در شکم آن سوراخی کند و از بینی آن نیز بدرون سوراخ بگزارد و غوکی ازان سوراخ بشکم آن صورت اندازد و سوراخ شکم را محکم بند کند و کبریت را بآتش انداخته مقابل بینی آن

صورت دود کند چون اثر دود بغوک رسد آواز عجیب کند مردمان پندارند که صورت گل صدا می‌کند

عمل دیگر بیضه ماکیان یا کبوتر را که تازه باشد چند روز در سرکه تیز و تند تر دارند تا پوست بیضه نرم شود هر گاه اینقدر نرم شود که اندیشه شکستن نباشد اندرون شیشه و من تنگ بیندازند و آب سرد بران ریزند که بحالت اصلی خود سخت شود مردمان حیران شوند که چگونه بیضه بدهن تنگ شیشه سلامت فرو رفته تماشای عجیب ست

عمل دیگر قدری نوشادر و عقرقر حای سوده در دهن گیرد و بخاید و به همان آب مضمضه و غرغره کند بعد از آن اگر پر کاله آتش در دهن گیرد هرگز دهن نسوزد

عمل دیگر افیون و کتیرا و شب یمانی و نمک طعام و پوست تخم مرغ و زیبق با یکدیگر سحق کرده با سرکه در دست بمالد و آتش بدست بردارد دست نسوزد و اگر بکف پای بمالد و بر سر آتش رود پای او نسوزد و گل سرخ و زاج و خطمی و شراب و کافور و سرکه با هم مخلوط کرده بر دست و پا بمالد از اثر آتش محفوظ باشند

عمل دیگر بگیرد طلق محلول و با زیبق مخلوط کرده با سفیده تخم مرغ و لعاب خطمی بر بدن برهنه مالد اگر در تنور سوزان برود نسوزد

عمل دیگر زبدالبحر و پوست تخم مرغ هر یک قدری کوفته بیخته و با سرکه آمیخته در بدن بمالد و بآتش رود اثر آتش به بدن نرسد

عمل دیگر اگر قدری گوگرد را ریزه کرده در لته پیچیده اندک آب بران ریزند بعد از لمحه لته روشن شود و ازآهک آب نارسیده نیز همین عمل بظهور آید

عمل دیگر بگیرد فندقی یا بیضه مرغ و مغز آنرا خالی کرده قدری سیماب دران اندازد و سوراخ را خوب محکم بند کرده بگرمی آفتاب تابستان یا بگرمی آتش بدارد که بر هوا پران شود

عمل دیگر بیارد قدری کتیرای سفید خوب باریک بساید و هموزن آن نبات سفید بادی بیامزید و قدری زعفران سوده دران اجزای خشک سائیده مخلوط کند و پنهان از نظرهای اهل انجمن بنزد خود نگاهدارد و بر رروی حاضران مجلسی قدحی پر آب بهمرساند و مخفی از نظرهای مردمان آن اجزای سوده را دران آب اندازد و خوب مخلوط کند و سرپوش کرده ساعتی بدارد و چیزی بخواندن عزیت لب را بجنباند تا اهل مجلس بدانند که چیزی میخواند بعد از ساعتی سر پوش از روی قدح بردارد کتیرای سوده مخلوط بآب مثل فالوده منجمد خواهد شد اهل مجلس را بخوراند که بسیار لذیذ باشد و مردمان پندارند که بتاثیر عزیمت آب در قدح فالوده شده

عمل دیگر بیارد حبی از شیطرج هندی و وزیر زبان نگاهدارند و کاسه پر آب بطلبد و مخفی از نظرهای اهل مجلس قدری از لعاب دهن دران آب ریزد همه آب مثل خون سرخ شود

عمل دیگر بیضه را سوراخ کرده همه مواد آنرا ف رو ریزد و از شبنم پر کرده سوراخ بند کرده بآفتاب گزارند که چون گرمی آفتاب گزارند که چون گرمی آفتاب اثر کند بیضه رو به هوا کند

عمل د یگر کاغذی را بشبنم تر کرده بآفتاب بگزارد و یک ساعت توقف کند که آن کاغذ رو به هوا کند

عمل دیگر اگر مرغی از موم بساوند و بدرون شکمش شبنم پر کرده در آفتاب بدارند بعد چند لحظه آن مرغ را هواگیرد

عمل دیگر بیارند بیضه که گرم و تازه باشد بآب زاج هندی هر چه خواهند بران بنویسند و چند بار به همان مقام که نوشته است تکرار تحریر کنند و یک ساعت توقف کنند تا آب تحریر خشک شود هر گاه بیضه را بشکنند آن الفاظ در سپیدی عیان باشد

عمل دیگر اگر سنگ را اندک گرم کرده با موم خبری دران سنگ نویسند و آن قطعه سنگ را یک لحظه بسرکه تند اندازند و پس سنگ نویسند و آن قطعه سنگ را یک لحظه بسرکه تند اندازند و پس بیرون آورده به بینند انچه درو نوشته باشد ظاهر و عیان گردد

عمل دیگر اگر روغن ماهی را سه روز درآفتاب نهد و بعد از آن هر چه ازان روغن نویسد زرد شود

عمل دیگر اگر خردل و خرما را با هم کوفته قدری آب دران ریزند و ازان هر چه نویسند سرخ معلوم شود

عمل دیگر اگر بآب زاج و مازو که چند ساعت باب تر داشته باشد بنویسد سبز شود

عمل دیگر اگر در شیر قدری نوشادر آمیخته بر کاغذ سفید نویسند و بگرمی آتش خشک کنند خط سیاه ظاهر شود و اگر بآب پیاز نویسندو باتش گرم کند خطر سبز ظاهر شود و اگر بآب نارنج نویسند و بآتش گرم کنند سرخ نماید وا گر بشیر خالص نویسند و بآتش برند زرد نماید و اگر زهره پلنگ و زهره سگ سیاه و زهره باز جمله را با هم آمیخته بر کاغذی نویسند در روشنی روز هیچ معلوم نشوند و بتاریکی شب همه عبارت خوانده شود

عمل دیگر اگر خون کبوتر با آب بیامیزد و قدری سیاهی در آن ریزد و بنویسد در روز هیچ معلوم نشود و بشب خوانده شود

عمل دیگر بگیرد بوره سرخ و سیاهی با روغن زیت یا روغن کنجد خوب بساید و ازان روشنائی بر سطح آب که به تغاری ریخته باشند چیزی بنویسند بخوبی خوانده شود و حروف نمایان باشند

عمل دیگر اگر زاک سفید را باقلیات و سرکه سحق کنند و بعد از

خشک شدن با سرکه بیامیزند و بروی حرف نوشته بکشند همه اثر حروف زایل شود و کاغذ سید گردد و اگر موم گرم را مکرر بر روی نوشته بگزارند و بردارند همین عمل کند و اگر نوشادر و .بهاگه و سم الفار مساوی الوزن بآب سائیده برحروف نوشته ریزند و بآفتاب نگاهدارنده اثر حروف زائل شود و کاغذ سفید نماید

عمل دیگر بگیرد مرمکی و زنیخ هریکی را باریک سائیده با خمیر مخلوط کنند هر مرغیکه ازان بخورد بیهوش شود و اگر آن مرغ بیهوش را بآب سرد بشویند باز بهوش آید

عمل دیگر گندم یا هر حبوبی را که خواسته باشند با زرنیخ و گوگرد و بذر البنج بجوشانند و دانه‌ها را خشک کرده نگاهدارند هرمرغیکه چند دانه ازان حبوب مدبر بخورد بیهوش شود

عمل دیگر بگیرد برگ عنب الثعلب کوفته و بیخته بخون خرگوش آمیخته گوی بسازد و رشته دران بسته بآب اندازد ماهیان بسیار گرد آن گوی فراهم شوند دام بیندازد و بگیرد

عمل دیگر اگر سنگ مقناطیس را چند روز در عرق سیر دارند قوت جاذبه او بالکل زائل شود و چون باز بسرکه تر دارند بازبحالت اصلی درآید

عمل دیگر اگر قاش های پیاز در چراغ اندازند پروانه‌ها گرد چراغ هر گز هجوم نیارند و از بوی پیاز بگریزند

دیگر بگیرد سیر و کنجد مقشر و بذر البنج و پوست کندر را جزارامساوی الوزن گرفته و بآرد گندم آمیخته خمیر کند و برشته بسته بآب اندازد که همه ماهیان گرد آن هجوم آرند چنانکه بدست توان گرفت

عمل دیگر بگیرد جاو شیرو آرد باقلا با پیه آمیخته حبها بندند و بقلابه دام الوده بآب اندازد که ماهیان بسیار گرد آن بیایند

عمل دیگر اگر در چراغ قدری آب شامل روغن بیندازد روغن کم بسوزد و در روشنی چراغ گرمی کم باشد

عمل دیگر بگیرد شیشه و پرهای کبوتر پر کند به نهجیکه یک ذره جای اندرون آن خالی و متخلخل نباشد پس سر شیشه را محکم بند کرده از جای بلند که احتمال شکستن داشته باشد بیندازند هرگز شکسته نشود

عمل دیگر از نقره انگشتری بسازند که بوزن زیاده از یک دانگ نباشد و نگینش از کهربا یا سندروس کنند و اگر آن انگشتری را در آب اندازند هرگز باب فرو نرود

عمل دیگر اگر قدری افیون و پنجاه عدد جوز در آب اهک بجوشاند هر که ازان آب قدری بخورد فی الحال بیمار شود و چون قدری روغن بخورد فی الفور صحت یابد

عمل دیگر آهک و زرنیخ و مردار سنگ و سنا وحنا و گل خیری حمله مساوی الوزن کوفته بیخته در کاسه بر آب ریزد و بکشب بگزارد پس صاف نموده بجلد حیوان سفید موی بمالد همه موهای سفید سیاه شوند و اگر به بعضی جا بمالد ابلق شود

عمل دیگر شب یمانی و کافور با هم آمیخته بآب سائیده در کاغذ مالدود در زیر آن کاغذ آتش کرده حلوا تواند پخت

عمل دیگر دار چینی سائیده در خمیر کرده نان به پزد و بخورد سگ بدهد همین که خورد برقص در آید

عمل دیگر اگر بادام را در کرپاسی بسته چند بار بر سنگ زنند به نهجیکه پوست بادام نشکند مغز اندرونش خردخرد و باریک شود پوست را بشکنند و براءالعین مشاهده کنند

عمل دیگر اگر از شیر درخت آکه یعنی مدار در دست چیزی بنویسند و بعد خشک شدنش اندکی خاکستر بران بمالند حروف سیاه نمودار شوند

عمل دیگر اگر انگوزه در کوزه کند و آب دران کوزه ریزد کوزه بشکند

عمل دیگر اگر شیطرج هندی و علک وانگوزه را سائیده در میان گل بپاشد هر که بوید عطسه و گوز زند

عمل دیگر اگر سر خروس را چرب کنند بانگ نزند و اگر کون خر را چرب کنند فریاد نکند و اگر کون اسپ را چرب کنند از دویدن بازماند

عمل دیگر اگر قدری خاک که خر در آنجا غلطیده باشد در زیر دستارخوان نهند اهل سفره بخنده درایند بحدیکه طعان خوردن نتوانند

عمل دیگر اگر مگس را گرفته موی سر آدمی بر پای او بندند و در زیر دستار خوان نهند اهل سفره بخنده درآیند و از طعام خوردن باز آیند

عمل دیگر اگر دانه خشخاش را سه روز بشیر تر دارند چندان بزرگ شود که سوراخ توانی کردن

عمل دیگر از اقسام حبوب هر که را خواهند چند روز بشیر آکهه تر داوند بعد از آن بسایه خشک کرده نگاهدارد زهر طائری که ازان دانه چند بخورود فی الفور بیهوش شود چون بآب گرم غسل دهند به هوش درآید

عمل دیگر اگر بتاشه درست را بروغن چرب کرده در آب اندازند باب حل نشود

عمل دیگر گز غانی از کاغذ بسازند و روغن دران انداخته بر سر آتش زغال نهند که فقط گرمی آتش دران برسد و شعله مشتعل نشود هر چیزی که خواسته باشند از بیضه یا غیر آن دران کنند

عمل دیگر هرکه به هلیه خوردن عادت کند هرگز ریش او سفید نشود

عمل دیگر اگر صمغ عربی را بآب حل کرده در دست بمالد آتش بدست تواند برداشت که دست نسوزد

عمل دیگر اگر دندان آدمی مرده و زبان هدهد در زیر بالین کسی نهند هر گز از خواب بیدار نشود تا وقتیکه بردارند

عمل دیگر اگر از پوست گرگ زه کمان بسازند و از آن تیراندازی کنند هر کمانیکه نزدیک آن کنان آید چله‌اش گسسته شود اگر در نقار خانه پوست گرگ را بخور کنند پوستهای نقاره پاره پاره شود و اگر از پوست گرگ نقاره بسازند چون آن نقاره بنوازند پوستها دیگر نقاره ها پاره شود و اگر از پوست گرگ کمری بسازند و بمیان بندند وقت شب نترسد

عمل دیگر اگر پوست انار سه شبانه روز در آب تر کرده آن آب بدور کشت زار ریزند از آسیب ملخ ایمن باشد اگر پوست انار بر درخت میوه دار بندند از ملخ ایمن باشد

عمل دیگر اگر خیار بزرگی داده نصف کرده مغز در میان آنرا خالی کرده و خرمای خشک دران نهاده بسته کنند و بخرقه پیچیده اول بدیگ آب اندازند و بدهن دیگ خرقه بسته بالای خرقه خیار را بگزارند و بالای سر پوش نهاده چندان آتش کنند که خیار از بخار پخته شود خرمای خشک در میان خیار خرمای رطب شده باشد

عمل دیگر حروف بر کاغذ از سیاهی بنویسند و هر رنگی که خواسته باشد از سرخ یا زرد یا سیاه بروغن آمیخته برای حروف بلکه تمام کاغذ طلا کنند و بعد یک لحظه آن کاغذ را بالای سنگی گزاشته بزور آب بران بپاشند از زور آب رنگ از سر حروف زایل شود وحروف سفید برآرد

عمل دیگر نوشادور نیلا تهوتها مساوی الوزن بعرق نعناع یا عرق لیمو کاغذی سائیده بر کاغذ یا شمشیر یا هر چه از آهن باشد از موم گداخته چیزی بقلم بنویسند و بعد ازان ادویه سائیده بران نوشته ریزند و بآفتاب نگاهدارند تا خشک شود بعد لحظه بشویند آنچه حروف نوشته باشند بر صفحه آهن صاف و روشن نمودار شود و اگر بر صفحه نقره از موم نویسند یا اجزای مذکوره بالا اندکی گوگرد اضافه نمایند و اگر بر سنگ نویسند صرف شما و سرخ را بعرق نعناع حل کرده بالا نوشته بریزند و بآفتاب نگاهدارند و بعد ساعتی بشویند ...وف نمودار شود

عمل دیگر اگر کسی را کژدم نیش زده باشد قدری نوشادر را با آهک سائیده ببو مانند هر گاه بوی تند نوشادر بدماغ مردم نیش زده برسد فی الفور زهر کژدم دور شود و اگر بیخ از مکد که گیاه همیست معروف بآب سائید بجای نیش عقرب گزارند فی الفور زهر دفع شود

عمل دیگر اگر کسی را مار سیاه گزیده باشد فی الفور بقدر یکسرخ نیلا تهوتها باریک سائیده بدماغ مار گزیده بدهند در ساعت بهوش درآید و اثر زهر مار دفع شود

عمل دیگر اگر طوطیا را باب سائیده طلا را چند بار دران غوطه دهند برنگ مس شود و آهن نیز به این طریق رنگ مس گردد

عمل دیگر اگر آب شور را بقرعه انبیق بکشند تلخی از آن زائل شود و بسیار شرین و لطیف و پاکیزه گردد فقط.

احکام سفر

هر گاه عزم سفربه راهی کردی ای عالم آگاه باش که ایام هفته هفت روز است و برای هر روز ارزشی باید قائل آمد و در هر روز عملی را اگر انجام داد بر اساس تجربه ثابت شده که بی ثمراز سفر بر نخواهی گشت .

و به قول روایتی که پیغمبر (ص) روز سه شنبه عزم سفر کرد و در بین راه با صانحه ای خون دماغ گردید .

پس هر گاه روز سه شنبه یا شب سه شنبه حرکت کردی حتماً تصدقی باید از اول باید کنار گذاشت تا به زحمت نیفتیم .

و به ابیات زیر صحبت را خلاصه و مختصر عنوان می کنیم

اگر به روز شنبه عزم سفر کردی ماهی بخور تا زود بیابی هر آنچه که می خواهی .

اگر به روزیکشنبه عزم سفر کردی هرگ تنبول بخوری برایت مبارک این سفر می گردد .

اگر به روزدو شنبه عزم سفر کردی اول روی آینه نگاه کن تا در آینه دولت یابی و منابع روشنایی در سفرت گردد .

اگر به روز سه شنبه عزم سفر کردی بخور گشنیز تا در سفر همه چیز حاصل گردد .

اگر به روزچهار شنبه عزم سفر کردی حتماً بخور تا از مشقت و رنج زمانه و سفر نجات یابی و موفق بازگردی .

اگر به روزپنج شنبه عزم سفر کردی باید بخوری قند سیاه تا دلت بجائیکه می خواهی برسد و دست راضی و پرتوان بر گردی .

اگر به روز جمعه عزم سفر کردی در روز جمعه هر چه دلت می خواهد بخور و با عطر و بوی خوش لباسهایت را معطر و خوش بو کن تا در رحمت خدا بر تو باز گردد .

خواص

بسم الله الرحمن الرحیم

بسم الله الرحمن الرحیم یکی از نکات مهم در رابطه با اسم باری تعالی می باشد که خود به تنهایی روشن کننده تمام کارهای ما می باشد و به روایتها نقل قول ها شده که به نکاتی مختصر اشاره می کنیم .

هر گاه خواستی در نزد بزرگ و کوچک و عام و خواص عزیز و محترم شوی هر روز صبح قبل از آنکه با کسی صحبت کنی ۶۰۰ بار تکرار می کنی

هر گاه از شدت درد شکم رنج می بردی باطهارت سمت قبله ایستاده و دست راست را بر روی ناحیه ای که درد می کند گذاشته و ۱۱ بار تکرار می کنی .

هر گاه خواستی شر شیطان را از خود دفع کنی با طهارت ۲۱ بار تکرا ر می کنی و بر روی یک کاغذ می نویسی .

هر گاه خواستی دفع بلیات و آفت از زراعتت گردد ۱۰ بار بسم الله الرحمن الرحیم را نوشته و بر روی زراعت خوانده و در زمین دفع می کنیم .

هر گاه خواستی نزد سلاطین و حکام بروی و ترس در دل داشتی قبل از آنکه حضور برسی ۵۰۰ مرتبه الرحمن الرحیم را بر روی کاغذ نوشته و ۱۵۰ مرتبه بسم الله بر روی آن خوانده و همراه نگهدار .

هر گاه خواستی از هر آفیتی در مسافرت حفظ گردی باید ۱۹۰ مرتبه بسم الله الرحمن الرحیم را نوشته و هم راه خود نگهداری .

هر گاه زنی حمل خود را سقط می کرد و نمی توانست تا پایان نه ماه نگه دارد باید باید ۱۰۶ مرتبه بسم الله الرحمن الرحیم را نوشته و همراه خود نگهدارد .

هر گاه زنی بار دار نمی شود باید ۱۱۰ مرتبه بسم الله الرحمن الرحیم را نوشته تا به اذن خدا بار دار شود .

هر گاه خواستی محبت کسی را در دلش بیفکنی بیاور یک قطعه شیرینی و بر روی آن ۷۸۶ مرتبه بسم الله الرحمن الرحیم نوشته و به خورد مطلوب داده .

هر گاه خواستی به دنبال کاری بروی و ناامید بودی ۱۰ مرتبه بسم الله الرحمن الرحیم را خوانده و یک حمد و چهار قل را خوانده و حرکت کن .

محبت

هر گاه خواستی کسی را از محبت و عشق بیقرار گردانی بیاور یک تکه غذای سگ و طلسم زیر را نوشته و بخورد سگ می‌دهی اگر مطلوب مرد بود به سگ نر و اگر مطلوب زن باشد باید به سگ ماده داد و این عمل را باید در ساعت سعد انجام داد.

و این طلسم را باید نوشت

۷۸۶

فلان زاده فلان من حب لشدید و عاشق و بیقرار فلان زاده فلان گردد.

عطط

۱۱ ۷ ۱۱ ۵ ۵

العجل ۳ الوحا ۳ الساعة ۳

یا ۲۰۳۰ ۲۰۱۰ ۲۰ ۱۰۸۰ ۱۰

محبت

هر گاه خواستی کسی را از محبت و عشق بیقرار گردای بیاور یک عدد تخم مرغ محلی تازه و بر روی آن بنویس طلسم زیر را به زعفران و گلاب و این عمل را باید در روز پنجشنبه در ساعت مشتری انجام داد و هنگام نوشتن بخور کرد به صندل سرخ و مقل ازرق و با طهارت باشی و در آن مکان هیچ کس وجود نداشته باشد بعد و نیمه شب تخم مرغ را در آتش گذاشته و بعد لاشهٔ تخم مرغ را در جلو درب منزل مطلوب باید دفن کند.

و این طلسم را باید نوشت

۷۸۶

توکلوا یا خدام هذه الاسماء به محبة المشترین فلان زاده فلان علی فلان زاده فلان

العجل ۳ الوحا ۳ الساعة ۳

یا ۱۰۸۰۲۰۱۰۲۰۳۰۰

محبت

هر گاه خواستی کسی را از محبت و عشق بیقرار گردانی بیاور ۲۱عدد دانه فلفل سفید و بر روی آن بخوان عزیمت زیر را ۲۱ مرتبه و سپس دانه‌ها را در آتش انداخته تا بسوزند و این عمل را باید در روز یکشنبه در ساعت شمس انجام داد و هنگام انجام عملیات بخور کرد به صندل سرخ و عود خوشبو و مقبل ارزق و در مکانی خلوت عملیات را انجام داد و تنها باشی.

و این عزیمت را باید ۲۱ مرتبه خواند

بسم الله الرحمن الرحیم

أنوخ ۳ شنشنوخ ۳ نوح ۳ توکل یا میمون ۳ یا ابا نوخ ۳ و جلب و بیقرار و عاشق فلان زاده فلان علی فلان زاده فلان گردد بحق لیاختم ۳ لیافور ۳ لیاروت ۳ لیاروغ ۳ لیاروش ۳ لیاشلش ۳ الوحا ۳ العجل ۳ الساعه ۳

یا شکیکفی.

محبت

هر گاه خواستی کسی را از محبت و عشق بیقرار گردانی بیاور یک عدد سفال آب ندیده و بر روی آن بنویس طلسم زیر را و سپس آنرا در آتش قوی گذاشته و بعد از ۲۴ ساعت سفال را آورده و خرد کرده و در راه مطلوب بر زمین بریزد و این عمل را باید در روز یکشنبه در ساعت شمس اول ماه انجام داد و هنگام نوشت بخور کرد به مقبل ارزق و صندل سرخ و کندر با طهارت باشی.

و این طلسم را باید روی سفال نوشت ☜

۷۸۶

۴۵ ۱۱۱ ۱۸۵ ۸۳ ر ۱۱۱۳ ۱۱۳ ۷۸ هـ ۱۱

۱۱ هـ هـ ۱۱۱ ۱۱۱ □ ۱۱۱۹۹۱۸ مع ۱۱ ۹ ۱۱۱۱

۱۸۹ هح هـ ۱۱۱۱ ۳ ط ۱۱۱ ۱۱۳۹ لها

توکلوا یا خدام هذه الاسماء بتهییج و جلب فلان را فلان علی محبت لشدید ، بیقرار فلان را فلان گردد

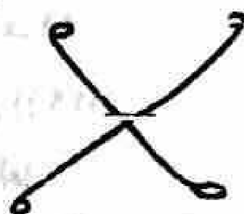
یا ۱۰۸۲۰۱۰۲۰۳۰۰ یا ۶۲۰۰۵۱۱۰۰

محبت

هر گاه خواستی کسی را از محبت و عشق بیقرار گردانی بیاور یک عدد نعل کهنهٔ اسب و بر روی آن طلسم زیر را نوشته با میخ فولاد و سپس آنرا بمدت ۴۸ ساعت در آتش گذاشته و بعد از ۴۸ ساعت آنرا باید باطل کنی والا جدایی می‌آورد و این عمل را باید در روز یکشنبه در ساعت شمس نوشت و هنگام نوشتن بخور عود و صندل سرخ و مقبل ارزق و کندر و با طهارت باشی. و در پایان ۱۰۰ صلوات و یک فاتحه بر روح پیغمبر هدیه نمود.

و این طلسم را باید نوشت

۷۸۶

۹۱  ط۱۹۱۱۹۱۹۱۸۹۱۹ یعقوب

توکلوا یا خادم الاسماء بتهیج و جلب فلان زاده فلان علي محبت الشدید و عاشق وبیقرار فلان زاده فلان گردد.

العجل ۳ الوحا ۳ الساعة ۳

یا ۱۰۸۰۲۱۰۲۳۰

محبت

هرگاه خواستی ازمحبت وعلاقه کسی رامجذوب خود کنی

بیاور۹ تکه سوسن لبان برهرکدام حرف (ج) رابنویس

وبعدبرروی هرکدام جداگانه ۲۱ مرتبه عزیمت زیررا

خواندوداخل آتش می اندازی واین عمل را باید در شب جمعه

درساعت شمس انجام داد وبخورهنگام این عمل صندل سرخ

و کندر ومقل ارزق می باشد.

واین عزیمت رابابد ۲۱ مرتبه برهرکداخواند

بسم الله الرحمن الرحیم

لیطوش مرتین ۳ مرتبه ملیلطوش مرتین۳ مرتبه هلیلطوش مرتین

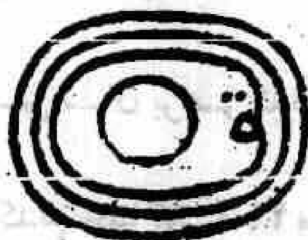
۳ مرتبه کانوا قلیلاً من اللیل ما یهجعون کذالک لا تهجع فلانة

بنت فلانة عن محبة و عشق فلان زاده فلان الوحا ۳ مرتبه العجل

۳مرتبه الساعة ۳ مرتبه

و این طلسم را باید نوشت و در آتش انداخت.

۷۸۶



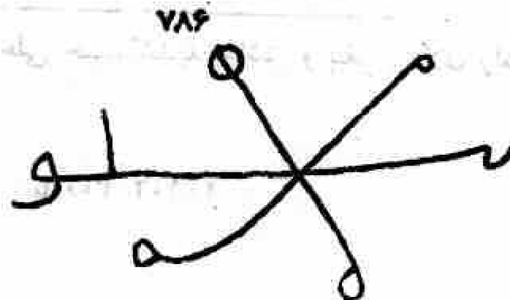
فلان زاده فلان علی حب لشدید و عاشق فلان زاده فلان گردد
العجل ۳ الوحا ۳ الساعة ۳
یا ۳۰۰ ۲۰ ۱۰ ۲۰ ۸۰ ۱۰ یا ۱۰۰ ۵۱ ۶۲۰۰

محبت

هر گاه خواستی کسی را از محبت و عشق بیقرار خود سازی بیاور یک عدد سفال آب ندیده و بر روی آن بنویس طلسم زیر را در روز یکشنبه در ساعت شمس و سپس سفال را به مدت ۲۴ ساعت در آتش قوی گذاشته و بعد بیرون آورده از آتش و آنرا خرد کرده و سر راه مطلوب پاشد و در پایان کار هم باید ۱۰۰ صلوات و یک فاتحه بر روح پیغمبر هدیه کند و در مکانی خلوت عملیات زیر را انجام دهد و هنگام نوشتن بخور کند به صندل سرخ و مقبل ارزق و مصطکی و کندر.

و این طلسم را باید نوشت

۷۸۶



فلان زاده فلان علی حب لشدید عاشق و بیقرار فلان زاده فلان گردد

یا ۱۰۸۰۲۱۰۲۳۰

محبت

هر گاه خواستی کسی را از محبت وعشق بیقرار گردانی بیاور ۲۱ دانه ورقه و بر روی آنها بنویس طلسم زیر را به زعفران و گلاب بر روی آنها و هنگام نوشتن باید بخور کرد و به صندل سرخ و مقبل ارزق و مصطکی و این عمل را در روز یکشنبه یا جمعه در ساعت شمس انجام داد و بعد در هر ورقه ۷ عدد نمک و ۷ دانه فلفل سفید گذشته و در هنگام وقت مغرب در آتش می‌اندازی.

و این طلسم را باید نوشت ٥

۷۸۶

م ۱۱۱ ۱۱۱ ۵۹۵ ك ل د ۱۱ ۱۱ ۹ // ۷۳ هـ

فلان زاده فلان علی حب لشدید عاشق و بیقرار فلان زاده فلان گردد

یا ۲۰۱۰۲۰۳۰۰

محبت

هر گاه خواستی کسی را از محبت و عشق بیقرار گردانی بیاور ۲۱ عدد دانه فلفل سفید و بر روی هر کدام از دانه‌ها بخوان سوره اذا زلزلت را تا اشتاتاً جمیعاً ۲۱ مرتبه و بعد دانه‌ها را در آتش انداخته تا بسوزند و این عمل را باید در روز یکشنبه در ساعت شمس اول ماه انجام داد

و این را باید خواند

بسم الله الرحمن الرحیم

اذا زلزلت الارض زلزالها و اخرجت الارض اثقالها و قال الانسان مالها یومئذ تحدث اخبارها بان ربک اوحی لها یومئذ یصدر الناس اشتاتاً

محبت

هر گاه خواستی کسی را از محبت و عشق بیقرار گردانی بیاور یک عدد تخم‌مرغ محلی تازه و بر روی آن بنویس طلسم زیر را به زعفران و گلاب و این عمل را باید در روز پنجشنبه در ساعت مشتری اول ماه انجام داد و هنگام نوشتن بخور کرد به صندل سرخ و مصطکی و کندر و مقبل ارزق و در مکانی حکوت و با طهارت نشسته و انجام می‌دهی و سپس در نیمه شب تخم‌مرغ را در آتش قوی گزاشته و بعد لاشه آنرا در جلو درب منزل مطلوب دفن می‌کنی یا سر راهش.

و این طلسم را باید نوشت ه

۷۸۶

۱۷ ۱۹۱۱ و ۱۱ ۱۱ ۱ ۴۴۱ ل ل ۱۰۰ س ۱۸ ط ۴۸

ط ۱۱ ۱۱ ۵ ۱۱۱ م

ع ع نشا مصا

فلان زاده فلان علی حب لشدید و عاشق و بیقرار فلان زاده فلان گردد

۱۰۸۰۲۰۱۰۳۰۰

محبت

هر گاه خواستی از محبت و عشق بی‌قرار گردانی بیاور یک ورقه سفید و بر روی آن به مشک و زعفران بنویس عزیمت زیر را و سپس آنرا همراه خود نگهدارد.و این عمل را باید در روز پنجشنبه در ساعت شمس یا مشتری انجام داد.

و این عزیمت را باید نوشت

بسم الله الرحمن الرحیم

مسرعاً و نزعنا ما فی صدورهم من غل اخونا علی سرر متقابلین یحبونهم کحب الله و الذین آمنو اشد حباً لله و لو انفقت ما فی الارض جمیعاً ما الفت بین قلوبهم و لکن الله الف بینهم انه عزیز حکیم یا بدوح بمحبه فلان زاده فلان الی فلانه زاده فلان بحق هه الاسماء اهیا اهیاشی اهیا هیاشی ادونای اصباؤت ال شدای انا خلقنا الانسان من نطفه امشاج نبتلیه کذلش نبتلی فلانه بنت فلان بمحبه فلان زاده فلان ان کانت الا صیحه واحده فاذا هم جمیعاً لدینا محضرون

محبت

هر گاه خواستی کسی را از عشق و محبت بی قرار گردانی بیاور ۳ عدد برگ کاغذ سفید رنگ یا پوست آهو و بر روی هر کدام عزیمت زیر را نوشته و در هر کدام یک تکه سوسن لبان گذاشته و سپس آنها را در آتش باید انداخت و این عمل را در ساعت مشتری در روز پنج‌شنبه و یا یکشنبه انجام داد و در مکانی کاملاً خلوت و تنها باید آتش زد.

و این طلسم و عزیمت را باید نوشت.

۷۸۶

۸۷۲۶۸۲۶ ٤ کوع ح ااا ح ٤
ف ه

مجصف ۳ جلجمیس ۳ هل سطیع ۳ هلیع ۳ ملیع ۳ افیع ۳ هلفن ۳ به توکل یا ابا یعقوب بحق شمهورش ۳ هلیج ۳ فلان زاده فلان الی محبه فلان زاده فلان

الوحا ۳ العجل ۳ الساعه ۳